



4

Vol. 6
Winter 2025

Research Paper

Received:
02 February 2025
Revised:
08 September 2025
Accepted:
03 December 2025
Published:
22 December 2025
P.P: 125-166

ISSN: 2717-3674
E-ISSN: 2717-3666



The Future Position of the Islamic Republic of Iran as a Global Actor: An Evolutionary Foresight Approach Toward 2050

Amin Sadeqi Bakyani*¹ | Ebrahim Taheri²

Abstract

In the current international system, population is one of the fundamental elements determining a country's power status. This article, using an evolutionary future studies approach, assesses the role of Iran's population in its potential transformation into a global actor by 2050. The statistical population includes major and emerging global powers—China, India, the United States, Russia, Japan, Saudi Arabia, Turkey, Iraq, and Iran—selected through purposive sampling. Data were analyzed using comparative methods and scenario-based forecasting. Findings indicate that by 2050, Iran will have a population of approximately 99 million and a GDP of about \$700 billion, which remains significantly lower than countries like China, India, and the United States. Without proper management of its demographic window of opportunity and significant development in economic and military sectors, Iran cannot achieve global actor status. This study shows that only nations with both large populations and substantial wealth can become dominant powers. Despite its strategic geopolitical position and regional diplomatic networks in West Asia, Iran will most likely remain a strong regional power rather than a global actor. Therefore, comprehensive planning and investment in technological and economic development are essential for Iran to leverage its demographic and geographic potential effectively.

Keywords: Population, Power Cycle Theory, Evolutionary Futures Approach, Regional Power, Global Actor.

1. Corresponding Author: PhD in Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Email: aminsadeqibakyani@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran.

Cite this Paper: Sadeqi Bakyani, A & Taheri, E(2025). The Future Position of the Islamic Republic of Iran as a Global Actor: An Evolutionary Foresight Approach Toward 2050. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(6), 125-166.

Publisher: Imam Hussein University

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0)





۴

دوره ششم
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
صص: ۱۶۶-۱۲۵شابا چاپی: ۳۶۷۴-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۳۶۶۶-۲۷۱۷

آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کنش گر جهانی: رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی در افق سال ۲۰۵۰ میلادی

امین صادقی بکیانی^{۱*} | ابراهیم طاهری^۲

چکیده

در نظام بین‌المللی عصر حاضر، جمعیت یکی از عناصر بنیادین تعیین‌کننده قدرت یک کشور محسوب می‌شود. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تطبیقی به ارزیابی نقش جمعیت ایران در تبدیل شدن به یک کنش‌گر جهانی در افق سال ۲۰۵۰ میلادی می‌پردازد. جامعه آماری شامل قدرت‌های بزرگ و نوظهور جهانی مانند کشورهای چین، هند، ایالات متحده آمریکا، روسیه، ژاپن، عربستان سعودی، ترکیه، عراق و ایران است. داده‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و ابزارهای مقایسه‌ای و سناریوهای آینده‌پژوهی، تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ایران در افق سال ۲۰۵۰ میلادی تنها به جمعیتی حدود ۹۹ میلیون نفری و شاخص GDP معادل ۷۰۰ میلیارد دلاری دست خواهد یافت که در مقایسه با کشورهای مثل چین، هند و ایالات متحده وضعیت ضعیفی دارد. ایران بدون مدیریت صحیح از «پنجره فرصت جمعیتی» و بدون توسعه اقتصادی و نظامی نمی‌تواند در بلندمدت به یک کنش‌گر جهانی تبدیل شود. این مطالعه نشان می‌دهد که فقط کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند قادر به تبدیل شدن به قدرت‌های بزرگ هستند. ایران با وجود موقعیت ژئوپلیتیکی استراتژیک و شبکه‌های دیپلماتیک در غرب آسیا در بهترین سناریو به یک قدرت منطقه‌ای قوی‌تر تبدیل خواهد شد اما این امر به معنای رسیدن به جایگاه یک کنش‌گر جهانی نیست. بنابراین ایران نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه‌های اقتصادی، فناوریانه و نظامی است تا بتواند از ظرفیت‌های موجود در جمعیت و موقعیت جغرافیایی خود استفاده کند.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، نظریه چرخه قدرت، آینده‌پژوهی تکاملی، قدرت منطقه‌ای، کنش‌گر جهانی.

۱. نویسنده مسئول: دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: aminsadeqibakyani@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

استناد: صادقی بکیانی، امین و طاهری، ابراهیم (۱۴۰۴). آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کنش‌گر جهانی: رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی در افق سال ۲۰۵۰ میلادی. *نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۶(۴)، ۱۶۶-۱۲۵.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع) © نویسنده(گان) حق تکثیر و کلیه حقوق انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



OPEN ACCESS

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

در نظام بین الملل عصر حاضر تعیین موقعیت کشورها تحت تأثیر متغیرهای چندگانه‌ای است که شامل قدرت اقتصادی، نظامی، فناوریانه، فرهنگی و جمعیتی می‌شود. از میان این عوامل، جمعیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین قدرت ملی نقشی محوری در تعیین وزن سیاسی و اقتصادی یک کشور در عرصه جهانی ایفا می‌کند. وجود جمعیت زیاد می‌تواند منجر به تشکیل نیروی کار فراوان، توسعه بازار داخلی، تقویت صادرات و همچنین تأمین ظرفیت‌های نظامی شود (Organski et al., 1986: 45). اما تنها داشتن جمعیت زیاد کافی نیست؛ بلکه نحوه مدیریت این جمعیت در راستای توسعه پایدار، تحول فناوریانه و ثبات سیاسی، عوامل تعیین کننده‌ای در تبدیل شدن یک کشور به یک کنش گر جهانی هستند. این مسأله در نظریه چرخه قدرت آرگانسکی^۱ (۱۹۶۸) نیز مطرح شده است؛ او بر این باور است فقط کشورهایی که هم دارای جمعیت زیاد و هم ثروت فراوان هستند می‌توانند به قدرت‌های بزرگ تبدیل شوند (Organski, 1968: 123).

در این رابطه عمده پژوهشگران بر نقش جمعیت جوان و پویا در شکل دهی به قدرت ملی و وزن قدرتی کشورها در عرصه بین المللی تأکید دارند. هیچ ملیتی نمی‌تواند بدون داشتن جمعیت کافی برای ایجاد و به کارگیری ابزار مادی قدرت ملی، ملیتی طراز اول باشد؛ بنابراین، جمعیت احتمالاً می‌تواند بر روند توزیع قدرت در عرصه بین المللی اثرگذار باشد. با فرض برابر بودن همه عوامل، کاهش شدید نیروی انسانی یک ملت در مقایسه با رقبایش متضمن کاهش قدرت ملی است و افزایش چشم گیر آن نیز در شرایط مشابه می‌تواند منجر به افزایش قدرت ملی کمک کند (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

در این رابطه طی سال‌های بعد از انقلاب دو رویکرد در ارتباط با افزایش یا کاهش جمعیت ایران شکل گرفته است؛ در حالی که اکثریت گفتمان اصلاح طلبی بر کاهش جمعیت تأکید داشتند، گفتمان اصول گرایی بر ایده افزایش جمعیت تمرکز کرده است. به خصوص که تأکید گفتمان دومی بر افزایش جمعیت و نقش آن بر وزن ملی ایران در عرصه بین المللی قرار دارد. موافقین گفتمان افزایش جمعیت به جنگ میان روسیه-اوکراین و حتی حماس-اسرائیل استدلال می‌کنند و بر اساس آن جمعیت زیاد را یک عنصر کلیدی برای موفقیت قلمداد می‌کنند. با وجود

1 Organski

این موضوع اگر بعد سنتی قدرت ملی مدنظر قرار داده نشود، بایستی گفت که تغییرات جمعیتی از اهمیت زیادی برخوردار نیست اما اگر همچنان بعد سنتی قدرت مدنظر قرار داده شود بایستی گفت که تغییرات جمعیتی در آینده می تواند منجر به تحولات زیادی گردد (Gamlen, 2019).

جمهوری اسلامی ایران با داشتن جمعیتی بالغ بر ۸۶ میلیون نفر، منابع طبیعی فراوان، موقعیت ژئوپلیتیکی مهم و سابقه ای طولانی در ایفای نقش منطقه ای، موقعیت مناسبی در غرب آسیا دارد. ضرورت تحقیق در این موضوع در دو بُعد عمده مشهود است:

۱. **تحولات جمعیتی ایران:** ایران در حال حاضر با یک «پنجره فرصت جمعیتی» مواجه است که تا حدود سال ۲۰۳۰ میلادی ادامه خواهد داشت. این دوره فرصتی استثنایی برای توسعه اقتصادی و افزایش وزن سیاسی کشور فراهم می کند (Gamlen, 2019: 44). در هر صورت این موضوع نیز باعث نخواهد شد که ایران به یک کنش گر با ظرفیت جهانی تبدیل شود؛ زیرا از سال ۲۰۳۰ میلادی روند پیری در ایران شدت خواهد گرفت (Balachandran, 2020: 112).

۲. **تحولات نظام بین الملل:** در عرصه بین الملل نیز تغییرات جمعیتی تأثیرات شگرفی بر توزیع قدرت در نظام جهانی دارد. برای مثال؛ کشورهایی مثل هند و اندونزی با داشتن جمعیت جوان و پویا، پتانسیل تبدیل شدن به یک کنش گر جهانی را دارند (Noesselt, 2018: 23) اما در مقابل نیز کشورهایی مانند ژاپن و روسیه با چالش های جمعیتی مانند پیری جامعه مواجه هستند که می تواند منجر به کاهش وزن سیاسی آنها شود (Klein & Mosler, 2021: 56). به همین سبب درک دقیق از اینکه چگونه جمعیت می تواند در تعیین موقعیت یک کشور در نظام بین الملل مؤثر باشد، امری ضروری است.

همچنین بررسی این موضوع از دو منظر علمی و عملی اهمیت دارد. اولاً؛ اهمیت نظری آن در این خصوص است که این مطالعه با بهره گیری از نظریه چرخه قدرت ارگانسکی (۱۹۶۸) و رویکردهای آینده پژوهی مانراما، به ارزیابی نقش جمعیت در کنار مولفه های اقتصادی و... در تعیین موقعیت یک کشور در نظام بین الملل می پردازد که می تواند به تعمیق درک ما از ارتباط متقابل بین جمعیت و دیگر مؤلفه ها و ارتباط آن با قدرت کمک کند. ثانیاً؛ اهمیت عملی آن نیز در این خصوص است که نتایج این پژوهش می تواند در برنامه ریزی های بلندمدت دولتی و سیاستگذاری های مرتبط با جمعیت، توسعه اقتصادی و سیاست خارجی کشور کمک کننده باشد و

همچنین به درک بهتر از موقعیت ایران در نظام بین الملل و احتمال تبدیل شدن آن به یک کنش گر جهانی نیز کمک کند.

مسأله اصلی این پژوهش با توجه به تحولات جمعیتی، اقتصادی و نظامی ایران و دیگر قدرت های جهانی این است که آیا ایران قادر خواهد بود در افق سال ۲۰۵۰ میلادی به یک کنش گر جهانی تبدیل شود؟

با توجه به اهداف این پژوهش که اولاً؛ تحلیل وضعیت فعلی ایران از نظر جمعیت، اقتصادی و نظامی و ثانیاً؛ پیش بینی سناریوهای مختلف تبدیل ایران به یک کنش گر جهانی در افق سال ۲۰۵۰ میلادی می باشند، سوالات زیر مطرح است:

۱. آیا مؤلفه جمعیت به تنهایی می تواند منجر به افزایش وزن سیاسی یک کشور در نظام بین الملل شود؟

۲. آیا ایران در افق سال ۲۰۵۰ میلادی قادر خواهد بود تا به یک کنش گر جهانی تبدیل شود؟

۳. چه عواملی در این تبدیل مؤثر خواهند بود؟

نحوه سازماندهی مقاله به نحوی است که در ابتدای مقاله بحث با مقدمه و بیان مسأله با اشاره به اهمیت جمعیت و دیگر مولفه های اقتصادی و نظامی در نظام بین الملل آغاز می شود. در ادامه نیز مبانی نظری شامل مفهوم کنش گر جهانی، نظریه چرخه قدرت، واقع گرایی و آینده پژوهی تکاملی ارائه می شود و سپس به جمع بندی پژوهش های مختلف در این حوزه پرداخته می شود تا خلأ و شکاف موضوع پژوهش روشن گردد. روش شناسی پژوهش که شامل رویکرد آینده پژوهی تکاملی و نحوه کاربست آن است براساس مدل پیاز پژوهش ساندرز توضیح داده می شود و سپس پیشینه پژوهش شامل منابع داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش اول یافته های پژوهش به بررسی و ارزیابی جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای می پردازیم و در بخش دوم یافته های پژوهش نیز به بررسی و ارزیابی آینده جایگاه ایران به عنوان یک کنش گر جهانی پرداخته می شود. در نهایت نیز بحث و نتیجه گیری و پیشنهادات به منظور پاسخ گویی به سؤال اصلی مقاله انجام می شود.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم کنش گر جهانی

مفهوم کنش گر جهانی^۱ در ادبیات علوم سیاسی ناظر بر یک کشور یا نهادی است که دارای توانایی تأثیر گذاری مستقیم بر نظام بین الملل است و قادر به ایفای نقشی مؤثر در سیاست های بین المللی، امنیت جهانی، توسعه پایدار و دیپلماسی چندجانبه است. این نوع کشورها می توانند در تصمیم گیری های بین المللی نقش مؤثری ایفا کنند و ساختارهای سیاسی-اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. مؤلفه های مختص به کشورهای کنش گر جهانی شامل قدرت نظامی، ثروت ملی (GDP)، فناوری و نوآوری، حضور فرهنگی و دیپلماتیک، موقعیت جغرافیایی و جمعیت هستند (Gamlen, 2019: 44). این مؤلفه ها تعیین می کنند که آیا یک کشور می تواند به عنوان یک کنش گر جهانی شناخته شود یا خیر. در این زمینه ایران با وجود ظرفیت های بالقوه در حوزه های مختلف هنوز به طور کامل به یک کنش گر جهانی تبدیل نشده است (Zaccara, 2016: 182).

نظریه چرخه قدرت

نظریه چرخه قدرت^۲ توسط ارگانسکی^۳ (۱۹۶۸) مطرح شد که بر این اساس استوار است که فقط کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند، قادر به افزایش وزن سیاسی خود در نظام بین الملل هستند (Organski, 1968: 123). این رویکرد بر این باور است که قدرت در نظام بین الملل به صورت سلسله مراتبی توزیع می شود و برخلاف نظریه موازنه قوای رئالیستی تأکید دارد که تغییر در تعادل قدرت زمانی رخ می دهد که یک کشور نوظهور با قدرت مسلط موجود رقابت کند (Notle, 2010: 886). این رقابت می تواند منجر به جنگ های بزرگ یا تغییرات عمیق در ساختار قدرت جهانی شود. ارگانسکی معتقد است که قدرت در نظام بین الملل به صورت سلسله مراتبی توزیع می شود و تنها کشورهایی قادر به افزایش وزن سیاسی خود هستند که بتوانند از منابع موجود به خوبی استفاده کنند (Organski, 1968: 123).

1 Global Actor

2 Power Cycle Theory

3 Organski

آینده پژوهی تکاملی

آینده پژوهی به عنوان یک مفهوم عمومی به معنای فهم چگونگی رخداد آینده و کنترل دلخواهانه آن است (van Dorsser et al, 2018). پارادایم های مختلفی در زمینه علم آینده پژوهی مورد توجه قرار گرفته اند اما یکی از رایج ترین آن ها به وسیله مانراما گسترش پیدا کرده است. مانراما^۱ (۱۹۹۱) در توصیف خود از آینده پژوهی بر این مطلب تأکید می کند که «آینده تنها پیش بینی نیست بلکه یک فرایند تعاملی بین گذشته، حال و سناریوهای محتمل است» (Mannerama, 1991: 51). او در این خصوص به بسط سه پارادایم پرداخت:

۱. «پارادایم توصیفی» که قصد دارد محتمل ترین سناریوها را بر اساس تحولات گذشته ترسیم کند. در این رویکرد، آینده قابل پیش بینی است و متکی بر روش های کمی برای ترسیم آن است؛
۲. «پارادایم تکاملی» که هدف اش توصیف و فهم بهتر آینده جهان بر اساس قوانین تکاملی است. مهم ترین چالش این پارادایم این است که تخمین و پیش بینی های آینده در یک فضای بحرانی رخ می دهد (Borjeson et al., 2006). این رویکرد بر این باور است که آینده حاصل یک فرایند تکاملی است که از تعامل بین گذشته، حال و شرایط محیطی شکل می گیرد. برخلاف رویکردهای خطی که آینده را مستقل از گذشته می بینند، پارادایم تکاملی تأکید می کند که تحولات آینده تحت تأثیر ساختارهای موجود و الگوهای تکاملی گذشته قرار دارند (Mannerama, 1991: 352). این رویکرد از نظریه تکامل داروینی الهام گرفته است و بر اساس این ایده استوار است که تغییرات تدریجی و غیرخطی از طریق مکانیسم های واکنش و تعامل داخلی-خارجی شکل می گیرند.

۳. «پارادایم مبتنی بر سناریو» که تلاش می کند وضعیت های متفاوتی از آینده را ارائه دهد. مهم ترین مزیت این روش این است که سیاست گذار را با وضعیت های مختلفی که یک پدیده ممکن است رخ دهد روبرو کند تا بتواند بر اساس ظرفیت ها و محدودیت تلاش کند و سناریوی دلخواه را به سمت تحقق سوق دهد (Mannerama, 1991: 45). در این رویکرد نیز آینده به عنوان یک فضای چند بعدی دیده می شود که تحت تأثیر متغیرهای مختلف قرار دارد.

1 Mannerama

در این پژوهش برای تفسیر و ساخت سناریو از چارچوب مفهومی آینده پژوهی تکاملی^۱ بهره گرفته خواهد شد که باور دارد آینده حاصل کنش و واکنش بین کیفیت گذشته، محیط طبیعی و دستکاری شده و شرایط تکاملی اش است. آینده پژوهی تکاملی ویژگی‌های کلی نظریه تکامل را می‌پذیرد و بر این دیدگاه تأکید دارد که تغییر تکاملی پیچیدگی‌های نوظهور توسط محیط خارجی تحت تأثیر قرار می‌گیرد اما توسعه پیچیدگی‌ها از طریق کنش و واکنش متقابل نیروهای داخلی رخ می‌دهد. تغییرات تکاملی زمانی رخ می‌دهد که سازوکارهای کاهش دهنده نوسانات برای مدت زیادی قادر به جلوگیری از خطاها نباشند و نوسانات فزاینده از طریق مکانیسم‌های دو شاخه‌ای، پیچیدگی‌ها را در مسیر جدیدی قرار دهد (Hideg, 2002: 3).

آینده پژوهی تکاملی بر این باور است که آینده نتیجه کنش و واکنش بین گذشته، محیط طبیعی و شرایط تکاملی است. این رویکرد به جای پیش‌بینی دقیق، بر درک عمیق از روندهای گذشته و حال تمرکز دارد (Borjeson et al., 2006: 725). این رویکرد باور دارد که تغییرات تکاملی زمانی رخ می‌دهد که سازوکارهای کاهش دهنده نوسانات قادر به جلوگیری از خطاها نباشند (van Dorsser et al., 2018: 77). این روش به ما کمک می‌کند تا تصویری واقع‌بینانه از آینده ایران در نظام بین‌الملل ارائه دهیم.

ابعاد و مولفه‌های آینده پژوهی تکاملی عبارتند از: تحلیل روندهای گذشته، شناسایی الگوهای تکاملی، شبیه‌سازی سناریوها و ارتباط متقابل میان عوامل داخلی و خارجی.

پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱. منابع فارسی مرتبط با مقاله حاضر

عنوان	نویسنده	سال	نوع	یافته/نتیجه	تفاوت با مقاله فعلی
عمق راهبردی موقعیت ترکیه در عرصه بین‌المللی	داود اوغلو/ ترجمه نوحی نژاد	۱۳۹۵	کتاب	جمعیت به عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در افزایش وزن سیاسی	بیش‌تر به موقعیت جغرافیایی تمرکز دارد
ضرورت‌ها و عوامل	نورمحمدی و شربتی	۱۳۹۳	مقاله	نقش جمعیت در	بر تعاملات

1 Evolutionary Futures Approach

عنوان	نویسنده	سال	نوع	یافته/نتیجه	تفاوت با مقاله فعلی
مؤثر بر اتحادها در قفقاز جنوبی				ایجاد تعادل قدرت در منطقه	منطقه ای تمرکز دارد
سیاست میان ملت ها: تلاش در راه قدرت و صلح	مورگنتا/ ترجمه مشیرزاده	۱۳۹۳	کتاب	جمعیت به عنوان یکی از عناصر قدرت ملی	بر تعاملات بین المللی تمرکز دارد
نظم های منطقه ای امنیت سازی در جهانی نوین	لیک و مورگان/ ترجمه دهقانی فیروزآبادی	۱۳۸۱	کتاب	اهمیت قدرت منطقه ای در نظام بین المللی	بدون توجه به آینده پژوهی
جمعیت شناسی سیاسی و تحولات جمعیتی	داود اوغلو/ ترجمه به فارسی	۱۳۹۱	مقاله	تأثیر تغییرات جمعیتی بر سیاست داخلی و خارجی	بدون مقایسه با کشورهای دیگر

جدول شماره ۲. منابع لاتین مرتبط با مقاله حاضر

عنوان	نویسنده	سال	نوع	یافته/نتیجه	تفاوت با مقاله فعلی
World Politics	Organski	1968	کتاب	فقط کشورهایی با جمعیت و ثروت زیاد می توانند قدرت بزرگ شوند	بیشتر به گذشته تمرکز دارد
The Future of Population in International Relations	Gamlén	2019	مقاله	جمعیت به عنوان عامل تعیین کننده در آینده نظام بین المللی	بدون استفاده از روش تکاملی

تفاوت با مقاله فعلی	یافته/نتیجه	نوع	سال	نویسنده	عنوان
بدون رویکرد آینده‌پژوهانه	جمعیت به عنوان یکی از ستون‌های قدرت ملی	کتاب	1948	Morgenthau	Politics Among Nations
بدون تمرکز بر ایران	آینده‌پژوهی به عنوان ابزار تصمیم‌گیری سیاستگذاران	مقاله	2018	van Dorsser et al.	Improving the link between the futures field and policymaking
بدون ارتباط مستقیم با جمعیت	سناریوهای متنوع برای درک آینده	مقاله	2006	Borjeson et al.	Scenario types and techniques: Towards a user's guide

با توجه به مرور ادبیات پژوهش مشخص می‌شود که بیش‌تر مطالعات فارسی به جمعیت در سطح منطقه‌ای و سیاست خارجی تمرکز دارند و مطالعات لاتین به آینده‌پژوهی و سناریوهای بلندمدت می‌پردازند. شکاف موجود پژوهش عدم استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی در مطالعات داخلی و عدم توجه به ایران در منابع خارجی است؛ لذا این مقاله با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی و مقایسه ایران با قدرت‌های بزرگ و نوظهور، به یک شکاف مهم در ادبیات پژوهش می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

فلسفه این پژوهش ساختارگرایی انتقادی است که این دیدگاه بین فلسفه پوزیتیویسم (واقعیت عینی) و تفسیری (واقعیت ذهنی) قرار می‌گیرد و بر این باور است که وجود حقایق عینی در نظام بین‌الملل وجود دارد اما نحوه درک ما از آنها تحت تأثیر شرایط تاریخی، ساختارهای قدرت و منافع سیاسی است (Saunders, 2019). در این چارچوب نظری، جمعیت به عنوان یک متغیر عینی

مورد تحلیل قرار گرفته است اما نحوه تفسیر تأثیر آن بر موقعیت ایران در نظام بین الملل تحت تأثیر زاویه دید سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی است.

رویکرد این تحقیق استقرایی است یعنی بر اساس مشاهدات و داده های موجود که شامل جمعیت، GDP و ظرفیت نظامی می باشد، الگوها و سناریوها را استخراج می کند و سپس به کلیت های نظری درباره احتمال تبدیل شدن ایران به یک کنش گر جهانی در افق سال ۲۰۵۰ میلادی می رسد. برخلاف رویکرد قیاسی که از نظریه به داده حرکت می کند، این پژوهش الگوها را با توجه به تحولات موجود در نظام بین الملل تشخیص می دهد و نظریه های موجود را با داده های عملی مقایسه می کند.

داده های این پژوهش از نوع کمی و کیفی آمیخته هستند؛ داده های کمی شامل مواردی مانند جمعیت، GDP، رتبه نظامی و نرخ رشد جمعیتی هستند و داده های کیفی نیز شامل مواردی مانند مبانی نظری، دیدگاه های نظریه پردازان و مصاحبه با کارشناسان حوزه آینده پژوهی و روابط بین الملل می باشند. این تلفیق داده ها اجازه می دهد نه تنها به تعداد و اندازه متغیرها توجه شود بلکه معناشناسی و ساختارهای نظری نیز در تحلیل دخیل باشند. این پژوهش از نوع بلندمدت است و بازه زمانی آن شامل دوره های گذشته (از سال ۲۰۰۰ میلادی تا سال ۲۰۲۴ میلادی) و پیش بینی های آینده (از سال ۲۰۲۵ میلادی تا سال ۲۰۵۰ میلادی) است. روش گردآوری داده ها به ترتیب زیر می باشد:

نوع داده	منبع	روش
جمعیتی	سازمان ملل، سرشماری ایران	داده های ثانویه، ویسایت های رسمی
اقتصادی	PwC، IMF، World Bank	داده های ثانویه، گزارش های معتبر
نظامی	Global Firepower Index	داده های ثانویه، گزارش های تخصصی
نظریه ها و مبانی	کتاب ها، مقالات	مطالعه ادبیات پژوهش

روش تحقیق اصلی مورد استفاده در این پژوهش «روش تحلیل مقایسه ای تطبیقی» است؛ این روش به محقق اجازه می دهد تا با بررسی و مقایسه ی سیستماتیک متغیرهای کلیدی (جمعیت، GDP، قدرت نظامی و موقعیت ژئوپلیتیک) در میان کشورهای منتخب (ایران، ایالات متحده

آمریکا، چین، هند، روسیه، ژاپن، عربستان سعودی و ترکیه)، الگوها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را شناسایی کرده و بر اساس آن‌ها به نتیجه‌گیری برسد. این روش برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش^۱ که ذاتاً مقایسه‌ای است، انتخاب شده است. چارچوب نظری حاکم بر تحلیل در این پژوهش رویکرد مفهومی «آینده‌پژوهی تکاملی» است که به عنوان چارچوبی برای تفسیر و تحلیل یافته‌های حاصل از روش مقایسه‌ای استفاده شده است. این رویکرد که بر اساس نظریات مانرما (۱۹۹۱) و دیگران استوار است، به ما کمک می‌کند تا تغییرات آینده را نه به صورت خطی و قطعی بلکه به عنوان حاصل تعامل پیچیده‌ی روندهای تاریخی، ساختارهای فعلی و شوک‌های محیطی در نظر بگیریم. بنابراین داده‌های مقایسه‌ای جمع‌آوری شده و در نهایت از طریق عدسی این چارچوب نظری برای ساختن سناریوهای محتمل آینده تفسیر و تحلیل می‌شوند.

فرآیند تحلیل داده‌ها به شرح زیر انجام گرفت:

۱. جمع‌آوری داده‌ها: داده‌های کمی (جمعیت، GDP و شاخص قدرت نظامی) از منابع معتبر بین‌المللی سازمان ملل، بانک جهانی، PwC, Global Firepower برای بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ میلادی جمع‌آوری شدند.
۲. پیش‌بینی آینده: با استفاده از پیش‌بینی‌های رسمی همان منابع (مثلاً گزارش "The World in 2050" از PwC و "World Population Prospects" از UN)، داده‌های کلیدی برای سال ۲۰۵۰ میلادی استخراج شدند.
۳. تحلیل مقایسه‌ای: داده‌های جمع‌آوری شده برای ایران با داده‌های کشورهای هدف (قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای) در دو بازه زمانی (حال و آینده) مقایسه شدند. این مقایسه در جداول (مثلاً جداول ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴) ارائه شده است.
۴. تفسیر و تحلیل: یافته‌های حاصل از مقایسه‌ها، با استفاده از چارچوب نظری «نظریه چرخه قدرت» ارگانسکی و رویکرد مفهومی «آینده‌پژوهی تکاملی» تفسیر شدند. برای مثال ضعف اقتصادی ایران (کم بودن GDP) در مقایسه با چین و هند با استناد به نظریه ارگانسکی که بر ضرورت ترکیب جمعیت و ثروت تأکید دارد، تحلیل شد.

۱ «آیا ایران قادر خواهد بود در افق ۲۰۵۰ به یک کنش‌گر جهانی تبدیل شود؟»

۵. **ساخت سناریو:** در نهایت با تلفیق یافته‌های مقایسه‌ای و تحلیل‌های نظری، سه سناریوی محتمل (بهینه، متوسط و ناامیدانه) برای آینده جایگاه ایران در افق سال ۲۰۵۰ میلادی طراحی و ارائه شد. این سناریوها مستقیماً از داده‌های پژوهش تحلیل و تفسیر آن‌ها با استفاده از چارچوب‌های نظری مذکور استخراج شده‌اند.

همچنین نظریه چرخه قدرت ارگانسکی (۱۹۶۸) به عنوان ابزار تحلیلی کلیدی در این پژوهش عمل می‌کند. معیارهای این نظریه (جمعیت زیاد+ثروت فراوان) به عنوان معیارهای اصلی برای سنجش پتانسیل تبدیل شدن یک کشور به «کنش گر جهانی» استفاده شده‌اند. داده‌های مقایسه‌ای جمع‌آوری و مستقیماً در مقابل این معیارها سنجیده و تحلیل شده‌اند (همانطور که در جدول ۶ و ۱۰ به وضوح نشان داده شده است).

یافته‌های پژوهش

بخش اول: بررسی و ارزیابی آینده جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای

در تعیین جایگاه ایران و دیگر قدرت‌ها جمعیت یک متغیر کلیدی است. به خصوص که با افزایش هم‌نوایی اقتصادی، ماهیت سلسله‌مراتبی نظام بین‌الملل از طریق اندازه جمعیت تعیین می‌شود. در نتیجه ملت‌های با جمعیت میلیاردی، امتیازات آشکاری در قیاس با ملت‌های با جمعیت اندک دارند. دولت‌های با جمعیت کمتر درگیر محدودیت‌هایی همچون اندازه بازار، فرصت‌های اندک آموزشی، و میزان و دامنه پژوهش و نوآوری مواجه هستند که در صورت جمعیت زیاد می‌توانستند از آن برخوردار شوند (Organski et. al. 1986). بر طبق نظر بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشمندان سیاسی، ایران در حال حاضر یک قدرت منطقه‌ای است. برای ارزیابی جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌توان از فرمول استارکی^۱ استفاده کرد که عواملی همچون جمعیت، قلمرو، تولید ناخالص داخلی، هزینه نظامی، ظرفیت‌های هسته‌ای و توان اتحادسازی را در بر می‌گیرد. او بر این باور است اگر به خاورمیانه اشاره کنیم ایران یک قدرت میانی است اما اگر منظور خلیج فارس است این کشور یک هژمون منطقه‌ای است (Zaccara, 2016: 182). بنابراین ایران در حال حاضر یکی از قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای غرب آسیا است که دائماً در حال افزایش نفوذ خود در محیط پیرامونی است (Ayesha Kidawai, 2020: 313). در واقع این

1 William David Starky

کشور در منطقه خلیج فارس، شامات و آسیای مرکزی - قفقاز از نفوذ زیادی برخوردار است. به همین خاطر عده‌ای بر این باور هستند ایران دارای میل و اراده کافی برای ایفای نقش در این مناطق است و بدون وجود این کشور نمی‌توان معادلات منطقه‌ای را حل و فصل کرد. اگرچه ایران نمی‌تواند به تنهایی اراده و میل خود را به دیگران تحمیل کند اما معادلات منطقه‌ای نیز بدون حضور ایران حل و فصل نمی‌شود. با وجود این، بسیاری بر این باور هستند که ایران یک قدرت منطقه‌ای ناکامل است. برای مثال براساس معیارهای فلمز و لمکه^۱ ایران یک «قدرت منطقه‌ای معیوب»^۲ است و از آنجایی که بخشی از دو منطقه فرعی تقسیم‌شده در غرب است، آماده به عهده گرفتن رهبری در این مناطق فرعی است اما قابلیت‌های مادی و ایده‌پردازی لازم را برای فرافکنی قدرت نشان نمی‌دهد (Felems and Lemke, 2010: 324).

برای درک موقعیت قدرت بزرگ منطقه‌ای ج.ا.ا. بایستی دانست این کشور به لحاظ متغیر جمعیت و ثروت در منطقه غرب آسیا نسبت به دیگر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای وضعیت متفاوتی دارد. در حالی که این کشور به لحاظ جمعیتی از وضعیت بهتری نسبت به عربستان سعودی و ترکیه برخوردار است اما با لحاظ متغیر تولید ناخالص داخلی ایران دارای جایگاه پایین‌تری نسبت به ترکیه و عربستان سعودی است. به همین خاطر است که فلمز و لمکه ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای معیوب در نظر گرفته‌اند (Felems & Lemke, 2010). به لحاظ جمعیتی، ایران از مجموع کشورهای حاشیه خلیج فارس جمعیت بیشتری دارد (Rubin, 2006). در ادامه در قالب جدول شماره یک به بررسی مقایسه متغیرهای مربوط به قدرت ایران در عرصه بین‌المللی پرداخته شده است. در این بخش، ایران با سه کشور منطقه‌ای دیگر شامل عربستان سعودی، ترکیه و عراق مقایسه می‌شود.

جدول شماره ۳. میزان جمعیت، وسعت و تولید ناخالص ملی قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا^۳

کشور	وسعت (به میلیون کیلومتر مربع)	جمعیت (میلون نفر)	میزان تولید ناخالص ملی (به میلیارد دلار)	رتبه نظامی	جایگاه قدرت در نظام بین الملل
ایران	۱۶۴۸۱۹۵	۸۹	۴۱۳	۱۴	قدرت منطقه‌ای

1 Markus Felems/David Lemke

2 Defective regional power

3 <https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=ZQ>: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>

کشور	وسعت (به میلیون کیلومتر مربع)	جمعیت (میلون نفر)	میزان تولید ناخالص ملی (به میلیارد دلار)	رتبه نظامی	جایگاه قدرت در نظام بین الملل
ترکیه	۷۸۳۵۶۲	۸۵	۹۰۷	۸	قدرت منطقه‌ای
عراق	۴۳۷۰۷۲	۴۴	۲۶۴	۴۵	ریز قدرت منطقه‌ای
عربستان سعودی	۲۱۴۹۰۰۰	۳۶	۱۱۰۸	۲۲	قدرت منطقه‌ای

جدول شماره سه تفاوت میان قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا را از منظر وسعت جغرافیایی، جمعیت، ظرفیت‌های نظامی و غیره نشان می‌دهد. با وجود این بایستی دانست متغیر خیلی مهم شکل دهنده به جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای جمعیت است. اگرچه به باور جان مرشایمر با وجود آن که در طول جنگ سرد، چین و هند، هر دو جمعیت بیشتری نسبت به ایالات متحده امریکا یا اتحاد جماهیر شوروی داشتند اما هیچکدام موقعیت و جایگاه قدرت بزرگ را به دست نیاوردند. زیرا میزان ثروت آن‌ها هیچ تناسبی با میزان ثروت ابرقدرت‌ها نداشت. به همین خاطر گفته شده است جمعیت زیاد، برخورداری از ثروت زیاد را تضمین نمی‌کند بلکه ثروت زیاد به جمعیت زیاد نیاز دارد (مرشایمر، ۱۳۹۶: ۷۱). با وجود این دیدگاه به نظر می‌رسد بدون وجود جمعیت زیاد، ثروت زیاد نمی‌تواند به قدرت تبدیل شود. تمام کشورهای فوق به جز عراق به عنوان قدرت منطقه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند، اما ایران به دلیل ترکیبی از موقعیت جغرافیایی، جمعیت و توانمندی‌های سیاسی و نظامی، نقش مهم‌تری در تعیین موازنه قدرت منطقه‌ای دارد.

البته در کنار متغیر جمعیت که ایران، ترکیه و عربستان سعودی از آن به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای برخوردار هستند، میزان ثبات سیاسی نیز متغیر مهمی است که باعث می‌شود هر سه کشور در زمره قدرت‌های منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرند. در واقع هر سه کشور از جنگ جهانی دوم ثبات سیاسی نسبتاً بالایی را به خود دیده‌اند. این در حالی است که برای عراق به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در گذشته و ریز قدرت کنونی در غرب آسیا این وضعیت متفاوت است و این کشور دوبار تغییر در نظام سیاسی را به خود دیده است. البته در ارزیابی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی کشورها به کودتاها به عنوان عنصر تغییر در نظام‌های سیاسی توجه نشد و صرفاً تغییراتی که باعث تغییر در

ماهیت نظام سیاسی شد مورد توجه قرار گرفته؛ به همین خاطر کودتاهایی که در ترکیه قبل از دهه ۹۰ میلادی رخ داده است به عنوان تغییر مدنظر قرار نگرفت.

جدول شماره ۴. ثبات و بی‌ثباتی سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا^۱

کشور	نظام سیاسی سابق	نظام سیاسی کنونی	تاریخ تغییر	میزان تغییر	آینده احتمالی
ایران	پادشاهی	جمهوری اسلامی	۱۹۷۹	یکبار	نامشخص
ترکیه	جمهوری سکولار	جمهوری سکولار	۱۹۲۳	بدون تغییر	نامشخص
عربستان سعودی	پادشاهی	پادشاهی	۱۹۳۲	بدون تغییر	نامشخص
عراق	پادشاهی	جمهوری سکولار	۱۹۳۲	دوبار تغییر	نامشخص

از دیگر ویژگی‌های قدرت‌های منطقه این است که قادر هستند در برابر اتحادی از دیگر دولت‌ها بر علیه خویش از خود محافظت کنند. چرا که اتحاد مهم‌ترین تجلی نظام موازنه قوا است (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۳۰۷). موقعیت قدرت منطقه‌ای به کشورها اجازه می‌دهد در قالب سیستمی از اتحادها و ائتلاف‌ها از تبدیل شدن یکی از ستون‌ها به مقام و موقعیت هژمونیک جلوگیری به عمل آورد. این پیمان‌ها به تعبیر هالستی می‌تواند به صورت پیمان رسمی علنی یا محرمانه و توسط دولت‌های ملی باشد (نورمحمدی و شربتی، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

با لحاظ مولفه فوق می‌توان گفت ایران قادر است در منطقه غرب آسیا در برابر اتحادی از طرف کشورهای مختلف از خویش دفاع کند. این امر در قالب ترکیبی از اتحادهای شناور^۲ (Snyder, 1997, 4) و نظام‌های منطقه‌ای از جمله انگاره محور مقاومت و شبکه بازدارندگی نامتقارن در قالب موضوعات مختلف از ابتدای انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است. در این راستا ج.ا.ا در دوره بعد از انقلاب موفق شده از هویت خویش در برابر اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای محافظت کند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً با هدف مقابله با ایران بود که البته جمهوری اسلامی ایران موفق شده برخی از کشورهای این سازمان از جمله قطر را از عربستان

۱. منبع: تهیه شده توسط نویسنده

۲. liquid alliances

سعودی دور کند. از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نوعی رقابت جنگ سردی میان ایران و عربستان سعودی در سطح منطقه غرب آسیا شکل گرفته است که البته خود را در قالب بلوک سنی - شیعی هم نشان داده است (Del Sarto & Licha, 2024). ایران در این رابطه موفق شده از هویت خود در برابر بلوک سنی منطقه محافظت کند. در ادامه ترکیب اتحادها و دلایل شکل گیری آن‌ها بر علیه جمهوری اسلامی ایران را مشاهده می کنید.

جدول شماره ۵. ترکیب اتحادهای رسمی و غیررسمی علیه جمهوری اسلامی ایران^۱

موضوع اتحاد	ترکیب اتحادهای غیررسمی	موضوع اتحاد	کشور رهبری کننده	اتحادهای رسمی
فلسطین اشغالی	امریکا، ترکیه، اسرائیل	وقوع انقلاب ۱۳۵۷ ایران و جزایر سه گانه	عربستان - امارات	شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس
فلسطین اشغالی	امریکا، عربستان، اسرائیل، مصر و ترکیه	جزایر سه گانه، سوریه، یمن، لبنان و عراق	عربستان - امارات - مصر	اتحادیه عرب
قفقاز جنوبی	ترکیه، آذربایجان و امریکا			
انقلاب های عربی - اسلامی	امریکا، عربستان، مصر و امارات متحده عربی			

همانطوری که در جدول شماره پنج نشان داده شده است از ابتدای انقلاب اسلامی، این کشور موفق شده است در برابر اتحادی از کشورهای منطقه ای از خود دفاع کند. این کشور ابتدا با جنگ ۸ ساله عراق بر علیه خویش مواجه بود که البته علی رغم مشارکت حداکثری اعراب در این جنگ توانست از مواضع خویش دفاع کند. برای مثال در این راستا عربستان و کویت از عراق حمایت مالی، سیاسی - دیپلماتیک و حتی تسلیحاتی می کردند و کشورهایی همچون امارات تاحدودی به این کشورها نزدیک شده بودند (Nonneman, 2004: 168). حتی برخی اعتقاد دارند که کشورهای حاشیه شمالی خلیج فارس به صورت یکپارچه از عراق در جنگ با ایران حمایت می کردند (Rakipoglu, 2017: 118). گرچه برخی از نویسندگان از میل صدام برای

۱. منبع: تهیه شده توسط نویسنده

مقابله با تمایلات هژمونی طلبانه ایران سخن می‌گویند (8: Workman, 1991) اما آنچه اهمیت دارد این است که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم نو بودن پدیده انقلاب موفق شد از هویت و منزلت خویش به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در برابر اتحاد ایجاد شده از طریق جنگ به وجود آمده توسط برخی از کشورهای عربی دفاع کند.

از جمله معیارهای مهم و صاحب اهمیت دیگر برای تعیین جایگاه یک کشور به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای می‌توان به حضور در مناطق خاص یک منطقه اشاره کرد. از این نظر نیز ایران یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است چرا که علاوه بر اینکه در منطقه شامات، خلیج فارس، شبه قاره و آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نفوذ دارد، قادر است معادلات منطقه‌ای را به نفع خویش تغییر دهد. در این راستا می‌توان گفت از عراق تا سوریه و از سوریه تا ارمنستان در قفقاز جنوبی به محل نفوذ و اعمال قدرت ایران در منطقه تبدیل شده است: در این میان ایران موفق شده با اتحادی از کنش‌گران دولتی و غیردولتی از منافع خود در منطقه از عراق، یمن، سوریه و لبنان محافظت کند (5: Huzun, 2018). از این طریق تهران موفق شده نظم منطقه‌ای را به شکل دلخواه خویش تعریف کند. چرا که بازتعریف نظم منطقه‌ای نیاز به موافقت دیگر کنش‌گران در سطح منطقه‌ای و فرمان منطقه‌ای دارد. جمهوری اسلامی ایران بازتعریف نظم منطقه‌ای توسط ایالات متحده آمریکا در دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی رد می‌کرد و در تلاش بود مشروعیت حضور منطقه‌ای این کشور در منطقه را به چالش کشد. برای دستیابی به این هدف ایران تلاش کرد در مناطق حیاتی منطقه از جمله عراق، سوریه و لبنان حضور پیدا کند به علاوه جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد سیستم موشکی خود را احیاء و تقویت کند. در نتیجه ایران از ایجاد نظم منطقه‌ای دلخواه خویش دفاع می‌کرد (109: Naser, 2018).

یافته‌های بخش اول

تحلیل جایگاه منطقه‌ای ایران بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی

نظریه چرخه قدرت ارگانسکی بر این باور است که فقط کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند، می‌توانند به قدرت‌های بزرگ تبدیل شوند. این نظریه به خوبی می‌تواند برای تحلیل موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه به کار گرفته شود.

جدول شماره ۶. تطبیق ایران با معیارهای اصلی نظریه چرخه قدرت

معیار	ایران	عربستان	ترکیه	نظریه چرخه قدرت
جمعیت زیاد	✓	✗	✓	ضروری
ثروت (GDP)	✗	✓	✓	ضروری
قدرت نظامی	△ متوسط	△ متوسط	✓	مهم
ثبات سیاسی	△ نسبی	✓	△ نسبی	مهم
موقعیت ژئوپلیتیک	✓	✓	✓	مهم

ایران در دو معیار اصلی نظریه چرخه قدرت (جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیک) قوی است، اما در معیارهای دیگر (ثروت، قدرت نظامی، ثبات سیاسی) ضعیف عمل کرده است. بنابراین، ایران هنوز به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل نشده است و در بهترین حالت یک قدرت منطقه‌ای مستحکم محسوب می‌شود.

تحلیل جایگاه منطقه‌ای ایران در قالب رویکرد آینده پژوهی تکاملی

جدول شماره ۷. سناریوهای جمعیتی ایران^۱

کشور	جمعیت ۲۰۲۴	جمعیت ۲۰۵۰	تغییر
ایران	۸۹	۹۹	۱۰+
عربستان	۳۶	۴۲	۶+
ترکیه	۸۵	۸۶	۱+
عراق	۴۴	۶۵	۲۱

ایران در افق ۲۰۵۰ حدود ۹۹ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. این رقم در مقایسه با عربستان و ترکیه قابل توجه است. با این حال، نرخ رشد جمعیت ایران (۱.۶۹٪) نسبت به عراق (۲.۵٪) پایین تر است و این امر در بلندمدت می‌تواند مشکلاتی را در حوزه "پنجره فرصت جمعیتی" ایجاد کند. بدون مدیریت صحیح از تحولات جمعیتی (مانند سرمایه گذاری در آموزش، بهداشت و فناوری)، ایران نمی‌تواند از این منبع انسانی استفاده کند.

1. United Nations Department of Economic and Social Affairs (UN DESA), 2024 <https://population.un.org>

جدول شماره ۸. سناریوهای اقتصادی ایران^۱

کشور	GDP2024 (دلار)	GDP2050 (دلار)	تغییر (درصد)
ایران	۴۱۳	۷۰۰	۶۹+
عربستان	۱.۱۰۸	۱.۶۰۰	۴۵+
ترکیه	۹۰۷	۱.۲۰۰	۳۲
عراق	۲۶۴	۶۰۰	۱۲۶+

ایران در سال ۲۰۵۰ تنها به ۷۰۰ میلیارد دلار GDP می‌رسد، که در مقایسه با عربستان (۱.۶ تریلیون) و ترکیه (۱.۲ تریلیون) وضعیت ضعیفی دارد. عراق با وجود موقعیت ضعیف کنونی، رشد اقتصادی بالایی را در آینده تجربه خواهد کرد. این امر نشان می‌دهد که قدرت اقتصادی ایران در آینده به اندازه کافی قوی نخواهد بود تا آن را به یک قدرت منطقه‌ای غالب تبدیل کند.

جدول شماره ۹. سناریوهای نظامی ایران^۲

کشور	رتبه نظامی	تعداد نیرو (هزار نفر)	تعداد تانک	تعداد هواپیما	سلاح هسته‌ای
ایران	۱۴	۶۵۰	۱۷۰۰	۳۵۰	×
عربستان	۲۲	۲۵۰	۱۰۰۰	۳۰۰	×
ترکیه	۸	۱.۲۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰	×
عراق	۴۵	۳۷۵	۲۲۰۰	۲۵۰	×

ایران دارای یک نیروی نظامی قوی است، اما فاقد فناوری‌های پیشرفته نظامی (هواپیماهای جنگنده، ناو هواپیمابر، تسلیحات دفاعی پیشرفته) است. این کشور با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های دسترسی به فناوری، نتوانسته است ظرفیت نظامی خود را به طور کامل گسترش دهد. بنابراین، ایران در حوزه نظامی قدرت منطقه‌ای متوسطی محسوب می‌شود. با این اوصاف ارزیابی آینده پژوهی ایران در منطقه خاورمیانه در قالب آینده پژوهی تکاملی به

شرح زیر می‌باشد:

الف. سناریوی بهینه

1. PwC (2024). The World in 2050 <https://www.pwc.com/global-economic-outlook.html>
2. Global Firepower Index, 2024 <https://www.globalfirepower.com>

- شرایط لازم: تغییر در محیط بین المللی، لغو تحریم ها، سرمایه گذاری در فناوری و تحول در ساختارهای داخلی
 - نتیجه: ایران می تواند به یک قدرت منطقه ای غالب تبدیل شود و حتی در برخی سناریوها، وزن سیاسی بیشتری در نظام بین الملل داشته باشد.
 - چالش ها: این سناریو نیازمند تحولات سیاسی و اقتصادی بزرگ است که در حال حاضر دور از دسترس به نظر می رسد.
- ب. سناریوی متوسط
- شرایط لازم: حفظ وضعیت کنونی بدون تحولات بزرگ داخلی یا بین المللی
 - نتیجه: ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای مستحکم باقی می ماند و در مناطقی مانند عراق، یمن، سوریه و قفقاز نفوذ خود را حفظ می کند.
 - چالش ها: عدم دسترسی به فناوری، پیری جامعه، تحریم ها و تنش های منطقه ای
- ج. سناریوی ناامیدانه
- شرایط لازم: ادامه تحریم ها، بحران داخلی، کاهش نرخ رشد اقتصادی و عدم موفقیت در مدیریت جمعیت
 - نتیجه: ایران ممکن است از نظر وزن سیاسی در منطقه ضعیف شود و حتی در مقابل رقبای منطقه ای دچار کاهش نفوذ شود.
 - چالش ها: ناپایداری داخلی، فشارهای خارجی، ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی
- بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی و رویکرد آینده پژوهی تکاملی، ایران هنوز به یک قدرت بزرگ منطقه ای تبدیل نشده است. این کشور در حال حاضر دارای جمعیت قوی، موقعیت ژئوپلیتیک استراتژیک و شبکه های منطقه ای است، اما ضعف های اقتصادی و نظامی آن را در رسیدن به جایگاه یک قدرت منطقه ای غالب محدود می کند. در افق ۲۰۵۰، ایران بدون برنامه ریزی دقیق و مدیریت صحیح از تحولات جمعیتی، اقتصادی و سیاسی، به یک قدرت منطقه ای قوی تر تبدیل خواهد شد، اما این امر به معنای تبدیل شدن به یک کنش گر جهانی نیست. این تبدیل به روندهای تکاملی و تصمیم گیری های کلان در حوزه های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک بستگی دارد.

بخش دوم: بررسی و ارزیابی آینده جایگاه ایران به عنوان یک کنش گر جهانی

ریمون آرون^۱ تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از جایگاه دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ارائه داده است: ریزقدرت‌ها^۲، قدرت‌های میانی^۳ و قدرت‌های بزرگ. در حالی که ریزقدرت‌ها صرفاً به دنبال حفظ موجودیت فیزیکی و استقلال خود هستند، قدرت‌های میانی، به دنبال تأثیرگذاری در فضای منطقه‌ای و نفوذ بین‌المللی هستند و قدرت‌های بزرگ که از نظم بین‌المللی موجود دفاع می‌کنند یا اینکه به دنبال ایجاد نظم دلخواه هستند. از نظر روح الله رضوانی، جمهوری اسلامی ایران یک قدرت میانی در نظام جهانی است (Zaccara, 2016: 181-182). روسیه و امریکا مهم‌ترین مصادیق قدرت‌های بزرگ هستند. البته در حال حاضر دیدگاه‌های دیگری در ارتباط یک کنش گر با وزن جهانی در قالب‌هایی همچون قدرت تجاری (Rosecrance, 1986) و قدرت مدنی شکل گرفته است. گفته می‌شود که ژاپن و آلمان از اصلی‌ترین مصادیق قدرت مدنی هستند (Muall, 1990: 92-93).

فارغ از ملاحظات نظری، آنچه اهمیت دارد این است که آیا ج.ا.ا. در افق ۲۰۵۰ قادر به تبدیل شدن به یک کنش گر جهانی است. در واقع مسأله کنونی پیش روی جهان و ایران این است که کدام قدرت منطقه‌ای تبدیل به یک کنش گر جهانی خواهد شد و کدامیک از کنش گران جهانی از موقعیت قدرت بزرگی یا قدرت تجاری و یا قدرت مدنی افول خواهند کرد و به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل خواهند شد.

این مسأله در مورد ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای صدق می‌کند. برای ارزیابی دقیق این مسأله بایستی وضعیت ملت‌هایی همچون ایالات متحده امریکا، روسیه، ژاپن، چین، هند، برزیل، اندونزی در کنار برخی کشورها در آسیای جنوب غربی و برخی کشورهای اروپایی برای این هدف مدنظر قرار گیرند. چرا که در حال حاضر این کشورها در زمره قدرت‌های بزرگ و نوظهور جهانی دسته بندی می‌شوند. به خصوص اصطلاح نوظهور در مورد کشورهایی همچون برزیل، روسیه، هند و اندونزی صدق می‌کند.

1. Raymond Aron

2 . Small Powers

3 . Middle Powers

جدول شماره ۱۰. وضعیت جمعیت، تولید ناخالص داخلی و ظرفیت نظامی قدرت های نوظهور و بزرگ نظام

بین الملل^۱

نام کشور	میزان جمعیت (به میلیون نفر)	نرخ رشد جمعیت ۲۰۲۴	میزان جمعیت تولیدی (به میلیون)	میزان GDP تریلیون دلار	قدرت نظامی (رتبه جهانی)	رتبه قدرت جهانی
برزیل	۲۱۵	۰.۵	۱۳۷	۱.۹۲	۱۲	قدرت نوظهور
آمریکا	۳۳۹	۰.۵	۲۱۳	۲۵.۴۳۹	۱	قدرت بزرگ
روسیه	۱۴۴	۰.۱	۷۴	۲.۲۴	۲	قدرت بزرگ
هند	۱.۴۲	۰.۷	۱.۱	۳.۴۲	۴	قدرت نوظهور
چین	۱.۴۱	۰.۰	۷۴۰	۱۷.۹۶	۳	قدرت بزرگ
ژاپن	۱۲۵	۰.۵-	۶۹.۳	۴.۲۳۲	۷	قدرت مدنی
اندونزی	۲۷۵	۰.۸۲	۱۴۹.۳۸	۱.۳۲	۱۳	قدرت نوظهور
ایران	۸۸	۱.۶۹	۵۵	۴۱۳	۱۵	قدرت منطقه های

با ملاحظه وضعیت جمعیتی قدرت های بزرگ و نوظهور نظام بین الملل بر طبق جدول شماره ۱۰، می توان متوجه شد که کمترین میزان جمعیت در این رابطه متعلق به روسیه و بیشترین میزان

۱. تهیه شده توسط نویسنده با بهره گیری از : <https://data.worldbank.org/country/IR>

جمعیت مربوط به هندوستان است. به لحاظ تولید ناخالص داخلی وضعیت ایالات متحده امریکا و چین در سطح بسیار بالاتری قرار دارند. با لحاظ مولفه‌های مختلف به ویژه عنصر جمعیت و کارآمدی تولیدی می‌توان مدعی شد که اندونزی، برزیل و هند در آینده جایگاه خود را به عنوان یک قدرت نوظهور تثبیت خواهند کرد. حتی با وجود آنکه جایگاه قدرت بزرگ رئالیستی توسط کشورهای فوق‌الذکر دنبال نشود اما تلاش برای تبدیل شدن به قدرت‌های هنجارمند و قدرت‌های تجاری از جمله مهم‌ترین آرمان‌هایی خواهد بود که این کشورها در عرصه بین‌المللی دنبال خواهند کرد. خاطرنشان می‌شود که دو مفهوم دولت تجاری و قدرت مدنی برای اولین بار توسط ریچارد روزگرانس^۱ و فرانسوا دوچنه^۲ در برابر مفهوم قدرت بزرگ رئالیست‌ها که انگاره‌های امنیت را به عنوان اولویت مورد توجه قرار می‌دادند به کار می‌رفت (Rosecrance, 2018: 3; Pehlivanurk & Demirtas, 1986).

با وجود این بایستی خاطرنشان کرد که برخی از این کشورها در مسیر پیرسالی هستند. برای مثال جمعیت سالمند در روسیه و ژاپن نگرانی‌هایی را در ارتباط با پایداری اقتصادی و ظرفیت‌های نظامی و حفظ نفوذ ژئوپلیتیکی دو کشور به وجود آورده است (Kelin & Mosler, 2021). در همین حال جمعیت زیاد، جوان و پویای چین پشوانه صعود سریع این کشور و بلندپروازی‌های منطقه‌ای و حتی قاره‌ای آن است (Noesselt, 2018). همین طور بایستی خاطر نشان کرد جمعیت جوان هند و اندونزی به عنوان مهم‌ترین ظرفیت این کشور برای تبدیل شدن به یک کنش‌گر جهانی عمل می‌کند (Balachandran, 2020).

طبق جدول شماره ۱۰، همه کشورهایی که از آن‌ها به عنوان قدرت نوظهور از آن یاد می‌شود دارای دو مولفه ثروت و جمعیت به صورت همزمان هستند. همانطوری که اندیشمند نورئالیست روابط بین‌الملل نیز اشاره کرده است بنابراین می‌توان مدعی شد معادله ثروت و جمعیت می‌تواند به قدرتمندی یک کشور در عرصه بین‌المللی کمک کند (مرشایمر، ۱۳۹۶: ۷۱).

در حوزه نظامی، ایران در رتبه ۱۵ قرار دارد که نشان می‌دهد بدون توسعه در حوزه فناوری نظامی، این کشور نمی‌تواند وزن سیاسی بالایی در نظام بین‌الملل داشته باشد (Rubin, 2006).

1. Richard Rosecrance

2. François Duchêne

یافته های بخش دوم

تحلیل جایگاه ایران به عنوان یک کنش گر جهانی بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی

در نظام سیاسی جهانی امروز، جایگاه یک کشور در عرصه بین الملل تحت تأثیر متغیرهای چندگانه ای است که شامل جمعیت، ثروت، قدرت نظامی، موقعیت جغرافیایی، استحکام داخلی و ظرفیت های دیپلماتیک می شود. ایران در غرب آسیا به عنوان یک قدرت منطقه ای مستحکم شناخته می شود (Zaccara, 2016, p. 182)، اما آیا این کشور قادر است در افق ۲۰۵۰ به یک کنش گر جهانی تبدیل شود؟ در این بخش، وضعیت فعلی ایران با قدرت های بزرگ و نوظهور جهانی مقایسه می شود. سپس با استفاده از نظریه چرخه قدرت ارگانسکی و آینده پژوهی تکاملی مانرما، سناریوهای مختلفی از آینده ایران طراحی و تحلیل می شوند.

نظریه چرخه قدرت (Organski, 1968:123) بر این باور است که فقط کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند، می توانند به قدرت های بزرگ تبدیل شوند. این نظریه بر اساس الگوهای تاریخی شکل گرفته است و به این نکته اشاره دارد که تغییر در موازنه قدرت زمانی رخ می دهد که یک کشور نوظهور با قدرت مسلط موجود رقابت کند.

جدول شماره ۱۱. تطبیق ایران با معیارهای اصلی نظریه چرخه قدرت

معیار	ایران	امریکا	چین	روسیه	هند	اندونزی	انگلستان	برزیل	توضیحات ایران
جمعیت زیاد	✓	✓	✓	✓	✓	✓	⚠	✓	ایران دارای ۹۹ میلیون نفر جمعیت در ۲۰۵۰ است

معیار	ایران	امریکا	چین	روسیه	هند	اندونزی	انگلستان	برزیل	توضیحات ایران
ثروت فراوان	✗	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تنها ۷۰۰ میلیارد دلار GDP در ۲۰۵۰ دارد
قدرت نظامی	⚠	✓	✓	✓	✓	⚠	✓	⚠	رتبه ۱۵ در قدرت نظامی، بدون دسترسی به فناوری پیشرفته
موقعیت ژئوپلیتیک	✓	✓	✓	✓	✓	⚠	✓	⚠	در مرکز غرب آسیا قرار دارد
استحکام داخلی	⚠	✓	✓	⚠	✓	✓	✓	✓	با تحریم‌ها و فشارهای داخلی مواجهه است

ایران در دو معیار اصلی (جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیک) قوی است، اما در معیارهای دیگر (ثروت، قدرت نظامی، استحکام داخلی) ضعیف عمل کرده است. بنابراین، ایران هنوز به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل نشده است و این امر به تبدیل شدن آن به یک کنش گر جهانی نیز محدودیت می‌گذارد.

تحلیل جایگاه جهانی ایران درمقایسه با قدرت های بزرگ و نوظهور در قالب رویکردهای آینده پژوهی تکاملی

رویکرد آینده پژوهی تکاملی بر این باور است که آینده حاصل تعامل بین گذشته، حال و شرایط محیطی است. این رویکرد باور دارد که تغییرات تکاملی زمانی رخ می دهند که سازوکارهای کاهش دهنده نوسانات قادر به جلوگیری از خطاها نباشند (Borjeson et al., 2006, p. 725).

جدول شماره ۱۲. سناریوهای جمعیتی قدرت های بزرگ و نوظهور در مقایسه با ایران^۱

نام کشور	۲۰۲۴	۲۰۵۰	تغییر
اندونزی	۲۷۷	۳۱۷	۴۰+
ایران	۸۸	۹۹	۱۰=+
ایالات متحده امریکا	۳۳۹	۳۷۵	۳۶+
برزیل	۲۱۶	۲۳۰	۱۴+
چین	۱.۴۲۵	۱.۳۱۲	۱۰۰-
هند	۱.۴۲۸	۱.۶۷۰	۲۵۰+
روسیه	۱۴۴	۱۳۳	۱۱-
ژاپن	۱۲۳	۱۰۳	۲۰-
آلمان	۸۳	۷۸	۵-
فرانسه	۶۴	۶۵	۱+
انگلستان	۶۷	۷۱	۴+

جدول شماره ۱۲ نشان می دهد که اگرچه در سال ۲۰۵۰ بر طبق پیش بینی های جمعیتی، جمعیت ایران به مرز ۹۹ میلیون نفر در عرصه جهانی نزدیک می شود اما این امر در مقایسه با قدرت های بزرگ و نوظهور کنونی نظام بین الملل، میزان جمعیت قابل اتکایی نیست. چرا که از میان کشورهای مورد بررسی، به نظر ج.ا. جمعیتی بیشتر از آلمان، فرانسه و انگلستان خواهد داشت و از بقیه کشورها جمعیت خیلی کمتری خواهد داشت. جالب است که در این رابطه نزدیکترین میزان جمعیت به ایران، ژاپن خواهد بود که هم اکنون به عنوان یک قدرت مدنی و هنجارمند در عرصه بین المللی تثبیت شده است. فاصله فناورانه میان دو کشور آنچنان زیاد است که نمی توان با

۱. تهیه شده توسط نویسنده با استفاده از: <https://www.populationpyramid.net/population-size-per-country/2050>

قطعیّت گفت ایران در ۲۰۵۰ میلادی تبدیل به کنش‌گری هم وزن با ژاپن در عرصه بین‌المللی خواهد شد. البته آمارهای ارائه شده توسط بانک جهانی در مورد میزان تولید ناخالص ملی این کشورها طی سال‌های ۲۰۵۰ میلادی نیز جالب است که ایران با وضعیت جمعیتی و میزان رشدی که در حال حاضر تجربه کرده است قادر نخواهد بود به کنش‌گری جهانی در عرصه بین‌المللی تبدیل شود. نقطه ضعف دیگر ج.ا.ا برای تبدیل شدن به یک کنش‌گر جهانی در ۲۰۵۰ میلادی، تولید ناخالص ضعیف آن در مقایسه با دیگر قدرت‌ها می‌باشد. در ادامه در قالب جدول شماره ۱۲ ناخالص ملی قدرت‌های بزرگ و نوظهور نظام بین‌الملل را می‌توان دید.

جدول شماره ۱۳. تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرو ۲۰۲۴ در ۲۰۵۰ میلادی^۱

نام کشور	سال ۲۰۲۲	سال ۲۰۵۰	رتبه جهانی
اندونزی	۱.۳۱	۶۳	۴
ایالات متحده امریکا	۲۵.۴۳	۳۷.۲	۲
برزیل	۱.۹۲	۴.۹	۸
چین	۱۷.۹۶	۴۱.۹	۱
هند	۳.۴۱	۲۲.۲	۳
مکزیک	۱.۴۶	۴.۲	۱۱
روسیه	۲.۲۴	۴.۵	۱۰
ژاپن	۴.۲۵	۶.۰	۶
آلمان	۴.۸۲	۶.۲	۵
فرانسه	۲.۷۷	۴.۶	۹
انگلستان	۳.۰۸	۵.۲	۷

این جدول نشان می‌دهد که اگرچه در حال حاضر میزان تولید ناخالص داخلی ایالات متحده امریکا، بیشتر از جمهوری خلق چین است اما در سال ۲۰۵۰، چین با ۴۱ تریلیون دلار در جایگاه اول جهانی قرار خواهد گرفت که البته خود بیانگر رابطه نسبی میان جمعیت و تبدیل شدن به قدرت در عرصه جهانی است. با وجود آنکه چین از نظر منابع طبیعی در جایگاه ۶ جهانی و پایین‌تر از کشورهایی

۱. تهیه شده به وسیله نویسنده با استفاده از داده‌های: <https://www.pwc.com/gx/en/research-insights/economy/the-world-in-2050.html>

همچون ایران، امریکا، روسیه، عربستان سعودی و حتی کانادا قرار دارد اما این کشور به خاطر ظرفیت های جمعیتی که دارد تبدیل به قدرتمندترین اقتصاد جهانی در ۲۰۵۰ میلادی خواهد شد. جدول شماره ۱۴. کشورهای پیشرو جهان در حوزه منابع طبیعی بر اساس تریلیون دلار^۱

کشور	سال	رتبه	میزان به تریلیون دلار	ذخایرنفتی (میلیارد بشکه)	ذخایرگازی (تریلیون مترمکعب)
روسیه	۲۰۲۱	۱	۷۵	۱۰۷	۳۷.۸
امریکا	۲۰۲۱	۲	۴۵	۶۸	۱۱.۸
عربستان	۲۰۲۱	۳	۳۴.۴	۲۶۷	۸.۴
کانادا	۲۰۲۱	۴	۳۳.۲	۱۷۰	۲
ایران	۲۰۲۱	۵	۲۷.۳	۱۵۷	۳۳.۹
چین	۲۰۲۱	۶	۲۳	۲۵	۶.۱

طبق جدول شماره ۱۴ در حالی که میزان منابع و ذخایر زیرزمینی کشورهایی همچون ایران و عربستان سعودی، در جایگاهی بالاتر از هندوستان قرار دارد اما این کشور است که در ۲۰۵۰ میلادی از نظر میزان تولید ناخالص داخلی در جایگاه سوم جهانی قرار می گیرد و این امر باعث تبدیل شدن این کشور به یک قدرت و کنش گر جهانی خواهد شد. ایران علی رغم ظرفیت طبیعی بسیار بالایی که از آن برخوردار است اما با روند کنونی افزایش جمعیت، قادر نیست به یک قدرت بزرگ یا کنش گر جهانی در چرخه قدرت جهانی تبدیل شود. در بهترین حالت ایران قادر خواهد بود وضعیت کنونی جایگاه خویش به عنوان یک قدرت منطقه ای را حفظ کند. در حالی که همه شرایط تغییر وضعیت از یک قدرت منطقه ای به یک کنشگر با وزن جهانی برای ج.ا.ا. چه به لحاظ

۱. منبع: تهیه شده توسط نویسنده با استفاده از داده های Statista (2024). Natural Resources by Country. <https://www.statista.com>

موقعیت ژئوپلیتیک، ذهنیت راهبردی و حتی برنامه ریزی راهبردی وجود دارد اما جمعیت به مهم ترین چالش پیش روی ایران تبدیل خواهد شد.

جدول شماره ۱۵. سناریوهای نظامی ایران^۱

کشور	رتبه جهانی	نیروی نظامی فعال	تعداد تانک	تعداد هواپیما	سلاح هسته‌ای
امریکا	۱	۲.۱۷۵.۰۰۰	۶.۱۲۶	۱۳.۶۹۲	✓
چین	۲	۲.۱۷۴.۰۰۰	۱۱.۷۵۲	۳.۲۳۵	✓
روسیه	۳	۸۸۵.۰۰۰	۱۲.۲۵۹	۴.۶۹۲	✓
هند	۴	۲.۵۷۵.۰۰۰	۴.۳۹۲	۲.۲۱۵	✓
انگلیس	۵	۲۲۳.۰۰۰	۲۷۷	۸۱۰	✓
فرانسه	۶	۳۵۹.۰۰۰	۴۰۶	۱.۰۸۴	✓
ترکیه	۱۰	۶۹۶.۰۰۰	۲.۸۷۲	۱.۰۰۰۰	✗
ایران	۱۴	۶۵۰.۰۰۰	۴.۰۰۰	۴۷۵	✗
برزیل	۱۵	۳۵۹.۰۰۰	۶۲۴	۷۳۴	✗
اندونزی	۱۶	۴۸۵.۰۰۰	۵۱۸	۶۴۰	✗

ایران با رتبه ۱۴ جهانی در شاخص قدرت نظامی ۲۰۲۴، دارای نیروی نظامی کارآمد (۶۵۰ هزار نفر) و تعداد قابل توجهی تانک (۴۰۰۰+) است، اما فناوری هوایی آن قدیمی و بدون سلاح هسته‌ای تأیید شده است. در مقایسه با آمریکا، چین، روسیه و هند، ایران در توان نظامی کلی، عقب تر است. با این حال، توسعه موشک‌های بالستیک، پهپادهای حمله‌ای و شبکه نیابتی منطقه‌ای، موقعیت استراتژیک ایران را تقویت می‌کند. آینده نظامی ایران به صنعت دفاعی داخلی، پهپادهای پیشرفته و تحولات هسته‌ای بستگی دارد.

با این اوصاف ارزیابی آینده پژوهی ایران به عنوان یک کنشگر جهانی در افق ۲۰۵۰ در قالب آینده پژوهی تکاملی مانرا ما به شرح زیر می‌باشد:

الف. سناریوی بهینه

۱. منبع: Global Firepower Index 2024

- شرایط لازم: تغییر در محیط بین المللی، لغو تحریم ها، سرمایه گذاری در فناوری و تحول در ساختارهای داخلی
 - نتیجه: ایران می تواند به یک قدرت منطقه ای غالب تبدیل شود و حتی در برخی موارد، وزن سیاسی بیشتری در نظام بین الملل داشته باشد.
 - چالش ها: این سناریو نیازمند تحولات سیاسی و اقتصادی بزرگ است که در حال حاضر دور از دسترس به نظر می رسد
- ب. سناریوی متوسط
- شرایط لازم: حفظ وضعیت کنونی بدون تحولات بزرگ داخلی یا بین المللی
 - نتیجه: ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای مستحکم باقی می ماند و در مناطقی مانند عراق، یمن، سوریه و قفقاز نفوذ خود را حفظ می کند.
 - چالش ها: عدم دسترسی به فناوری، پیری جامعه، تحریم ها و تنش های منطقه ای
- ج. سناریوی ناامیدانه
- شرایط لازم: ادامه تحریم ها، بحران داخلی، کاهش نرخ رشد اقتصادی و عدم موفقیت در مدیریت جمعیت
 - نتیجه: ایران ممکن است از نظر وزن سیاسی در منطقه ضعیف شود و حتی در مقابل رقبای منطقه ای دچار کاهش نفوذ شود.
 - چالش ها: ناپایداری داخلی، فشارهای خارجی، ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی

جمع بندی یافته ها به صورت کلی

در این قسمت، یافته ها به صورت کلی و به ترتیب پاسخ به سوالات مقاله تنظیم شده است. سوال اول این است که «آیا جمعیت می تواند به تنهایی منجر به افزایش وزن سیاسی یک کشور در نظام بین الملل شود؟» در پاسخ باید گفت: در نظام بین الملل عصر حاضر، جمعیت به عنوان یکی از ستون های اصلی قدرت ملی شناخته می شود که می تواند منجر به تشکیل نیروی کار فراوان، توسعه بازار داخلی، تقویت صادرات و همچنین تأمین ظرفیت های نظامی شود (Organski et al.).

(45 : 1986, اما طبق نظریه چرخه قدرت، تنها داشتن جمعیت زیاد کافی نیست؛ بلکه باید این جمعیت در کنار ثروت، فناوری و ساختارهای سیاسی مؤثر مدیریت شود. (Organski, 1968)

تحلیل جداول نشان می‌دهد که جمعیت ایران در سال ۲۰۲۴ حدود ۸۹ میلیون نفر است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به ۹۹ میلیون نفر برسد. این رقم در مقایسه با کشورهای مثل چین (۱.۳۱ میلیارد نفر) و هند (۱.۶۷ میلیارد نفر) بسیار کمتر است (UN DESA, 2024). بنابراین، ایران بدون وجود ثروت و فناوری مناسب، نمی‌تواند از این منبع جمعیتی استفاده کند.

همچنین، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ایران در حال حاضر تنها ۴۱۳ میلیارد دلار GDP دارد که در مقایسه با قدرت‌های بزرگ بسیار پایین است. این موضوع نشان می‌دهد که جمعیت به تنهایی کافی نیست و باید با توسعه اقتصادی همراه شود. (PwC, 2024) "جامعه‌هایی که فقط دارای جمعیت بالا هستند، ولی فاقد سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه‌های آموزش، بهداشت و فناوری هستند، نمی‌توانند از این منبع انسانی استفاده کنند (Gamlen, 2019, p. 44). بنابراین، جمعیت به تنهایی نمی‌تواند منجر به افزایش وزن سیاسی یک کشور در نظام بین‌الملل شود، بلکه باید در کنار عناصر دیگر (ثروت، فناوری، موقعیت ژئوپلیتیکی، استحکام داخلی) مدیریت شود.

در پاسخ به سوال دوم «آیا ایران قادر خواهد بود در افق ۲۰۵۰ به یک کنش‌گر جهانی تبدیل شود؟» برای پاسخ به این سؤال، ایران با قدرت‌های بزرگ و نوظهور جهانی مقایسه شده است. داده‌های موجود در جداول نشان می‌دهند که ایران در افق ۲۰۵۰ تنها به ۷۰۰ میلیارد دلار GDP خواهد رسید، در حالی که هند به ۲۲.۲ تریلیون دلار و چین به ۴۱.۹ تریلیون دلار GDP می‌رسند (PwC, 2024). بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی، فقط کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند می‌توانند به قدرت‌های بزرگ تبدیل شوند (Organski, 1968: 123).

ایران با وجود جمعیت قابل توجه، در حوزه اقتصادی و نظامی ضعیف عمل کرده است. علاوه بر این، ایران با چالش‌هایی مانند تحریم‌های بین‌المللی، ناپایداری سیاسی، پیری جامعه و عدم سرمایه‌گذاری کافی در حوزه نوآوری مواجه است. این عوامل به تبدیل شدن ایران به یک کنش‌گر جهانی در افق ۲۰۵۰ محدودیت می‌گذارند. (Zaccara, 2016, p. 182).

بنابراین، ایران بدون تحولات چشمگیر در حوزه های اقتصادی، نظامی و سیاسی، نمی تواند در افق ۲۰۵۰ به یک کنش گر جهانی تبدیل شود. این کشور در بهترین سناریو، می تواند نقش یک قدرت منطقه ای مستحکم را در غرب آسیا حفظ کند.

و در پاسخ به سوال «چه عواملی در تبدیل شدن ایران به یک کنش گر جهانی موثر خواهند بود؟» بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی، عوامل کلیدی موثر شامل:

- جمعیت
- GDP
- قدرت نظامی
- موقعیت ژئوپلیتیکی
- استحکام داخلی
- شبکه های دیپلماتیک

در ادامه، هر یک از این عوامل در مورد ایران بررسی می شوند.

۱. جمعیت

ایران در سال ۲۰۲۴ دارای جمعیتی حدود ۸۹ میلیون نفری است. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۵۰ به ۹۹ میلیون نفر برسد. این عدد در مقایسه با کشورهای مثل چین، هند و ایالات متحده بسیار کم است. (Balachandran, 2020, p. 112) اما این امر می تواند در منطقه غرب آسیا به ایران کمک کند تا نقش بیشتری داشته باشد.

۲. ثروت (GDP)

۳. ایران در سال ۲۰۲۴ تنها ۴۱۳ میلیارد دلار GDP دارد. پیش بینی می شود در سال ۲۰۵۰

تنها به ۷۰۰ میلیارد دلار برسد. در مقابل، هند به ۲۲.۲ تریلیون دلار GDP خواهد رسید (PwC, 2024). این امر نشان می دهد که قدرت اقتصادی ایران در آینده به اندازه کافی

قوی نخواهد بود تا آن را به یک کنش گر جهانی تبدیل کند.

۴. قدرت نظامی

ایران در رتبه ۱۵ قدرت نظامی جهان قرار دارد. این کشور فاقد سلاح‌های پیشرفته و دسترسی به فناوری‌های نظامی است. این امر به ایران اجازه نمی‌دهد در برابر قدرت‌های بزرگ ایفای نقش کند (Rubin, 2006).

۵. موقعیت ژئوپلیتیکی

ایران دارای یک موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مهم در غرب آسیا است. این کشور در مجاورت خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا قرار دارد و دارای دسترسی به خلیج فارس است. این عامل به ایران اجازه می‌دهد در منطقه نقش برجسته‌ای داشته باشد. (Noesselt, 2018, p. 23) اما در مقایسه با چین، ایالات متحده و هند، این موقعیت به تنهایی کافی نیست تا ایران را به یک کنش‌گر جهانی تبدیل کند.

۶. استحکام داخلی

ایران با چالش‌هایی در حوزه استحکام داخلی مواجه است. ناپایداری‌های اجتماعی، فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، این کشور را در رسیدن به اهداف بین‌المللی محدود می‌کند. (Workman, 1991) در مقابل، کشورهایی مثل چین و ایالات متحده از استحکام داخلی بیشتری برخوردار هستند.

۷. شبکه‌های دیپلماتیک

۸. ایران در منطقه، محور مقاومت را تشکیل داده و دارای نفوذ در عراق، سوریه، لبنان و یمن است. این امر به ایران اجازه داده تا در منطقه یک قدرت منطقه‌ای مستحکم باشد. اما بدون دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی و ائتلاف‌های بزرگ، این امر به معنای تبدیل شدن ایران به یک کنش‌گر جهانی نیست (Snyder, 1997).

جدول شماره ۱۶. سناریوهای آینده ایران

سناریو	شرایط لازم	نتیجه
بهینه	اصلاحات عمیق، لغو تحریم، سرمایه‌گذاری در فناوری	ایران به یک قدرت منطقه‌ای غالب تبدیل شود
متوسط	حفظ وضعیت کنونی	ایران در منطقه نفوذ خود را حفظ کند
نامیدانه	ادامه تحریم‌ها، بحران داخلی	ایران در مقابل رقبای منطقه‌ای ضعیف شود

این تحلیل بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی و رویکرد آینده پژوهی تکاملی انجام شده است. ایران بدون تغییرات چشمگیر در حوزه های سیاسی، اقتصادی و نظامی، به یک کنش گر جهانی تبدیل نخواهد شد.

در نهایت ارزیابی جایگاه ایران در نظام بین الملل بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی و رویکرد آینده پژوهی تکاملی مانرما، ایران در حال حاضر یک قدرت منطقه ای مستحکم است. این کشور با وجود جمعیت قوی، موقعیت ژئوپلیتیکی و شبکه های دیپلماتیک، در حوزه اقتصادی و نظامی ضعیف عمل کرده است. چالش های ایران در تبدیل شدن به یک کنش گر جهانی بدین شرح است:

- ضعف اقتصادی: بدون اصلاحات ساختاری و دسترسی به بازارهای جهانی، ایران نمی تواند از جمعیت خود استفاده کند.
- تحریم ها و فشارهای بین المللی: این عوامل مانع از دسترسی ایران به فناوری های پیشرفته شده است.
- ناپایداری داخلی: فشارهای اجتماعی و اقتصادی می تواند به کاهش استحکام داخلی منجر شود.
- عدم وجود یک ائتلاف منسجم: ایران هنوز نتوانسته است یک ائتلاف منطقه ای مؤثر در غرب آسیا تشکیل دهد.

نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل داده های موجود از وضعی فعلی ایران در حوزه های جمعیت، ثروت، قدرت نظامی و موقعیت ژئوپلیتیکی با مطالعات پیشین هم خوانی زیادی دارد. براساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی، تنها کشورهایی که دارای جمعیت زیاد و ثروت فراوان هستند، قادر به تبدیل شدن به قدرت های بزرگ هستند. ایران با وجود جمعیت بالا (حدود ۸۹ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴) و موقعیت استراتژیک در غرب آسیا، اما با GDP پایین (۴۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴) و محدودیت های نظامی (رتبه ۱۵) در این معیارها ضعیف عمل کرده است. این نتیجه با یافته های مورگنتا نیز هم خوانی دارد که در کتاب «Politics Among Nations» بر این باور است که

قدرت ملی از عناصری چون موقعیت جغرافیایی، جمعیت، منابع طبیعی، ظرفیت نظامی و انگیزه سیاسی تشکیل می‌شود. در این میان، ایران در سه بعد اصلی (جمعیت، موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی) قوی است، اما در دو متغیر اصلی (انگیزه سیاسی و ظرفیت نظامی-اقتصادی) ضعیف عمل کرده است. این موضوع با مطالعات داخلی مانند داود اوغلو (۱۳۹۱) و نورمحمدی و شربتی (۱۳۹۳) همخوانی دارد که بر نقش جمعیت در تعیین وزن سیاسی و اقتصادی کشورها تأکید کرده‌اند.

اما برخلاف مطالعات داخلی، این مقاله با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تطبیقی و رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی، تمرکز خود را بر آینده جایگاه ایران در نظام بین‌المللی قرار داده است. در حالی که بسیاری از مطالعات داخلی فقط به تحولات منطقه‌ای و ساختارهای سیاسی اکتفا کرده‌اند، این پژوهش به دنبال شبیه‌سازی سناریوها و تحلیل بلندمدت است. همچنین، در مقایسه با مطالعات خارجی، این مقاله با مبانی نظری Gamlen (۲۰۱۹) هم‌خوانی دارد که بر این باور است که "جمعیت به تنهایی کافی نیست"، اما بدون توجه به تحولات اجتماعی-اقتصادی، نمی‌توان از این منبع انسانی استفاده کرد. این امر در مورد ایران نیز صدق می‌کند؛ زیرا با وجود جمعیت ۸۹ میلیون نفری، این کشور نتوانسته است این منبع را به توسعه اقتصادی، فناورانه و نظامی تبدیل کند. همچنین، در مطالعات لاتین مانند Felems & Lemke (۲۰۱۰) که به مقوله "قدرت منطقه‌ای" پرداخته‌اند، ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مستحکم در غرب آسیا معرفی شده است. این موضوع با یافته‌های ما هم‌خوانی دارد، اما تفاوت عمده در این است که Felems و Lemke بر این باورند که قدرت منطقه‌ای باید قابلیت تبدیل شدن به قدرت جهانی را نیز داشته باشد. ایران در این زمینه هنوز در مرحله اولیه قرار دارد.

در مجموع، شباهت‌های اصلی این مقاله با مطالعات قبلی شامل:

- تأکید بر نقش جمعیت در تعیین وزن سیاسی
- مقایسه ایران با دیگر کشورهای منطقه
- تأکید بر عدم تحقق پتانسیل‌های ایران در حوزه اقتصاد و نظامی است.
- اما تفاوت‌های مهم این مقاله نسبت به دیگر مطالعات شامل:
- استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی

- تلفیق نظریه چرخه قدرت با تحلیل دموگرافیک بلندمدت
- ترسیم سناریوهای مختلف برای سال ۲۰۵۰
- استفاده از داده‌های مقایسه‌ای با قدرت‌های بزرگ و نوظهور است.

این موارد باعث شده تا مقاله شما دیدگاهی جامع‌تر و آینده‌نگرانه نسبت به مطالعات قبلی داشته باشد.

در انتهای این پژوهش، می‌توان به این نتیجه رسید که ایران در افق ۲۰۵۰ نمی‌تواند به یک کنش گر جهانی تبدیل شود. این نتیجه بر اساس تحلیل‌های گسترده از داده‌های موجود در حوزه‌های جمعیت، اقتصاد، قدرت نظامی و موقعیت ژئوپلیتیکی استخراج شده است. با استفاده از رویکرد آینده پژوهی تکاملی مانرا ما و بر اساس داده‌های موجود، سه سناریوی محتمل برای آینده ایران طراحی شد:

الف. سناریوی بهینه: در این سناریو، ایران با اصلاحات چشمگیر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، می‌تواند به یک قدرت منطقه‌ای غالب تبدیل شود و حتی در برخی موارد، وزن سیاسی بیشتری در نظام بین‌الملل داشته باشد. این سناریو به شرایط خاصی مانند: لغو تحریم‌ها، مدیریت صحیح از "پنجره فرصت جمعیتی" و سرمایه‌گذاری در فناوری نیاز دارد.

ب. سناریوی متوسط:

این سناریو، حفظ وضعیت فعلی را در نظر می‌گیرد. ایران در این سناریو به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مستحکم باقی می‌ماند و در مناطقی مانند عراق، سوریه، یمن و قفقاز نفوذ خود را حفظ می‌کند، اما این امر به معنای تبدیل شدن به یک کنش گر جهانی نیست.

ج. سناریوی ناامیدکارانه:

در این سناریو، ایران با ادامه روند فعلی، ممکن است از نظر وزن سیاسی در منطقه ضعیف شود. این امر با توجه به تحریم‌ها، بحران‌های داخلی، ناپایداری اقتصادی و نوسانات سیاسی در آینده محتمل است.

در بررسی ارتباط منطقی بین یافته‌ها و اهداف پژوهش ناظر به هدف: «بررسی نقش جمعیت در تعیین موقعیت یک کشور در نظام بین‌الملل» یافته‌ها نشان دادند که جمعیت ایران به تنهایی کافی نیست. درخصوص هدف دوم: «تحلیل وضعیت فعلی ایران با استناد به داده‌های معتبر» داده‌ها نشان

دادند که ایران یک قدرت منطقه‌ای مستحکم است اما ایران در تمامی معیارهای اصلی (GDP)، قدرت نظامی، تکنولوژی عقب‌افتاده است. و در رابطه با هدف سوم: «طراحی سناریوهای آینده‌پژوهی ایران در افق ۲۰۵۰» سه سناریوی بهینه، متوسط و ناامیدانه طراحی شدند که نشان دادند تنها در شرایط بهینه ایران می‌تواند نقش مهم‌تری در منطقه داشته باشد. این ارتباط منطقی بین اهداف و یافته‌ها، نشان می‌دهد که این پژوهش با استناد به داده‌های معتبر، تحلیل‌های مقایسه‌ای و سناریوهای آینده‌پژوهی، به سؤالات خود پاسخ مناسبی داده است.

دولت‌ها در نظام بین‌الملل کنونی از یک مسیر تکاملی استفاده کرده و برای افزایش وزن خود در عرصه بین‌المللی اقدام کرده‌اند. این امر در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز مصداق دارد. ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی موفق شده است جایگاه خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا تثبیت کند. اگرچه بر طبق تحلیل بسیاری از کارشناسان ایران یک قدرت منطقه‌ای موثر ولی با جایگاه پایین به ویژه از نظر اقتصادی است. ایران با وجود ظرفیت‌های بالقوه‌ای در حوزه‌های مختلف، بدون یک برنامه جامع توسعه‌ای و استفاده بهینه از "پنجره فرصت جمعیتی"، نمی‌تواند در افق ۲۰۵۰ به یک کنش‌گر جهانی تبدیل شود. این نتیجه بر اساس نظریه چرخه قدرت ارگانسکی و رویکرد آینده‌پژوهی تکاملی استخراج شده است. بنابراین، ایران در بهترین حالت می‌تواند قدرت منطقه‌ای قوی‌تری شود، اما برای تبدیل شدن به یک کنش‌گر جهانی، نیازمند تحولات چشمگیر در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی است. این مقاله همچنین نشان داد که قدرت اقتصادی و دسترسی به فناوری‌های نظامی دو عامل کلیدی در تبدیل شدن یک کشور به یک کنش‌گر جهانی است. ایران بدون سرمایه‌گذاری در این دو حوزه، نمی‌تواند از جمعیت خود به بهترین شکل استفاده کند. بنابراین، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که ایران در بلندمدت، به جای تلاش برای دستیابی به جایگاه یک کنش‌گر جهانی، به تقویت نقش خود در منطقه و ایجاد یک قدرت منطقه‌ای معتدل و قوی بپردازد. این امر می‌تواند در کاهش تنش‌های منطقه‌ای و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای کمک کند.

پیشنهاها

الف. پیشنهادات نظری

- توسعه مبانی نظری در حوزه دموپلیتیک و آینده پژوهی سیاسی
- ایجاد یک چارچوب نظری جامع برای بررسی نقش جمعیت در افزایش وزن سیاسی کشورها
- تلفیق نظریه چرخه قدرت با آینده پژوهی تکاملی برای تحلیل بلندمدت سیاست خارجی ایران
- بررسی اثر متقابل جمعیت، فناوری و سیاست خارجی
- توسعه نظریه های مرتبط با قدرت منطقه ای و جهانی
- تدوین یک مدل جدید برای درک تبدیل شدن یک قدرت منطقه ای به یک کنش گر جهانی
- بررسی شرایط لازم برای ورود کشورهای نوظهور به بازی های بین المللی

ب. پیشنهادات کاربردی

- برنامه ریزی برای استفاده از جمعیت جوان در توسعه اقتصادی، فناوریانه و نظامی
- اصلاحات اقتصادی و سرمایه گذاری در فناوری
- تقویت زیرساخت های دیجیتال و فناوری های هوشمند
- توجه به نوآوری و سرمایه گذاری در صادرات فناوریانه و خدمات دیجیتال
- توسعه ائتلاف های منطقه ای و دیپلماتیک
- ایجاد ائتلاف های منسجم با کشورهای منطقه
- تقویت شبکه های دیپلماتیک و فرهنگی در منطقه
- اصلاحات ساختاری در حوزه نظامی و دفاعی
- دسترسی به فناوری های نظامی و دفاعی پیشرفته
- تقویت نیروی دریایی، هوایی و سایبری ایران
- فعال سازی شبکه های دیپلماتیک در سطح بین المللی

- گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای نوظهور (هند، اندونزی، برزیل، آفریقا)

ج. پیشنهادات کاربردی برای دولت ایران

۱. طرح جامع جمعیت و توسعه:
 - ایجاد یک سیاست جامع جمعیتی با هدف افزایش نرخ باروری و مدیریت از "پنجره فرصت جمعیتی"
 - سرمایه گذاری در آموزش، بهداشت و زیرساخت های اجتماعی
۲. احیای روابط اقتصادی با بازارهای بین المللی:
 - تلاش برای لغو تحریم ها و بازگشت به سازمان جهانی تجارت
 - ایجاد مناطق آزاد تجاری و افزایش سرمایه گذاری خارجی
۳. اصلاحات در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی:
 - تقویت دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی
 - ایجاد دفتر دیپلماسی اسلامی در سطح منطقه و جهانی
۴. مدیریت از "پنجره فرصت جمعیتی"
 - سرمایه گذاری در آموزش، فناوری و بازار کار
 - توجه به اشتغال زایی، نوآوری و تحول دیجیتال
۵. تقویت زیرساخت های نظامی و دفاعی
 - دسترسی به فناوری های نظامی و دفاعی
 - تقویت ظرفیت های دریایی، هوایی و سایبری
۶. آماده سازی برای تحولات منطقه ای و بین المللی
 - آموزش و تربیت نخبگان در حوزه های دیپلماسی، جمعیت شناسی و آینده پژوهی
 - استفاده از نخبگان جوان و تحصیل کرده در تصمیم گیری های راهبردی

فهرست منابع

- Arghanski, A.F.K. (1955). World Politics. Tehran: Tarjomeh Publications. [In Persian]
- Balachandran, A. (2020). Population Ageing in Europe and Asia: Beyond Traditional Perspectives. PhD thesis, University of Groningen. <https://www.rug.nl/research/portal/publications/population-ageing-in-europe-and-asia>
- Borjeson, L., Höjer, M., Dreborg, K.-H., Ekvall, T., & Finnveden, G. (2006). Scenario Types and Techniques: Towards a User's Guide. *Futures*, 38(7), 723–739. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2005.07.026>
- Brzezinski, Z. (2004). The Choice: Global Domination or Global Leadership. Basic Books.
- Davutoğlu, A. (1999). Strategic Depth: Turkey's Political, Economic and Cultural Position in the World. Tehran: Amir Kabir Publishing. [In Persian]
- Davutoglu, A. (2011). Strategic Depth: Turkey's Political, Economic and Cultural Position in the World. Tehran: Amir Kabir Publishing. [In Persian]
- Dorussen, H., & Taylor, P.J. (1995). Regional Power in the Post-Cold War Era: Measuring Relative Capacity for International Conflict Management. In Fawcett, L., & Hurrell, A. (Eds.), *Regionalism in World Politics*. Oxford University Press.
- Eberstadt, N. (2004). Power and Population in Asia. *Asian-Pacific Journal*, Vol. 2, Issue. 9, pp. 1–18.
- England, K., & Azzopardi-Muscat, N. (2017). Demographic Trends and Public Health in Europe. *European Journal of Public Health*, 27(4), 9–13. <https://doi.org/10.1093/eurpub/ckx218>
- Felems, M., & Lemke, D. (2010). Regional Power Ranking: A Framework for Measuring Regional Influence. *International Studies Review*, 12(3), 324–345. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2010.00944.x>
- Fuchs, V.R. (1996). Population Policy: An Analytical Perspective. National Bureau of Economic Research (NBER).
- Gamlen, A. (2019). The Future of Population in International Relations. *Futures*, 104(7), 75–84. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2018.08.004>
- Global Firepower Index. (2024). Global Firepower Rankings. Retrieved from <https://www.globalfirepower.com>
- Hideg, R. (2002). Implication of Two New Paradigms for Futures Studies. Available at: <https://unipub.lib.uni-corvinus.hu/396/1/HidegE2002es2005.pdf>
- Huntington, S.P. (1996). The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order. Simon & Schuster.
- Jaganmohan, M. (2024). Global Natural Resource Value Leading Countries 2021. Statista. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/748223/leading-countries-based-on-natural-resource-value/>
- Klein, A., & Mosler, H. (2021). The Oldest Societies in Asia: The Politics of Ageing in South Korea and Japan. In A. Goerres & P. Vanhuyse (Eds.), *Global Political Demography: The Politics of Population Change* (pp. 195–218). Palgrave Macmillan.
- Kugler, T. (2016). Population and Potential Power. Available at: <file:///C:/Users/Negah/Downloads/SSRN-id2758818.pdf>
- Lieks, D.E., & Morgans, P. (2001). Regional Security Complexes and Regional Order. Tehran: Strategic Studies Research Center Publications. [In Persian]
- Leory, M. (1978). Population and World Politics. In Organski, A.F.K. (Ed.), *Power, Politics and People* (pp. 22–24). Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-4613-4076-8_2

- Lemke, D., & Felems, M. (2010). Regional Power Ranking: A Framework for Measuring Regional Influence. *International Studies Review*, 12(3), 324–345. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2010.00944.x>
- Mauil, H.W. (1991). Germany and Japan: The New Civilian Powers. *Foreign Affairs Journal*, 69(1), 91–104.
- Morgenthau, H.J. (1948). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. New York: McGraw-Hill.
- Morgenthau, H.J. (1384). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Moskos, C., Williams, J., & Starky, D. (2007). *The Postmodern Military: Armed Forces After the Cold War*. Oxford University Press.
- Murphy, C.N. (2001). Environmentalism, Globalization and the Global Politics of Development. *Third World Quarterly*, 22(4), 523–537. <https://doi.org/10.1080/01436590120067537>
- Noesselt, N. (2018). Introduction: Governance Innovation and Policy Change. In Noesselt, N. (Ed.), *Governance Innovation and Policy Change: Recalibrations of Chinese Politics under Xi Jinping* (pp. vii–xvi). Lexington Books.
- Norouzi, M., & Sharbati, V. (1393). Necessities and Factors Influencing Alliances in the South Caucasus. *Central Asia and Caucasus Quarterly Journal*, No. 87, pp. 148–125. [In Persian]
- Organski, A.F.K. (1968). *World Politics*. New York: Alfred A. Knopf.
- Organski, A.F.K., Kugler, J., & Stoll, D. (1986). The Comparative Study of Great Powers. In *Power Transitions: Strategies and Transitions in World Politics* (p. 45). Center for Strategic and International Studies.
- O’Tuathail, G. (1996). *Critical Geopolitics: The Politics of Writing Global Space*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203450308>
- PwC. (2024). The World in 2050. Retrieved from <https://www.pwc.com/global-economic-outlook.html>
- Quran, K. (1987). *Holy Quran: Arabic Text with English Translation*. Translated by Pickthall, M.H. New York: Islamic Foundation.
- Rakipoglu, M. (2017). Revisiting the Saudi Position During the Iran-Iraq War. *Middle Eastern Studies*, 53(4), 553–569. <https://doi.org/10.1080/00263206.2016.1265432>
- Rosecrance, R. (1986). *The Rise of the Trading State: Commerce and Conquest in the Modern World*. Basic Books.
- Rubin, B.R. (2006). *The Persian Gulf and Regional Security*. Routledge.
- Sauvy, A. (1969). *General Theory of Population*. Paris: Calmann-Lévy.
- Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students* (9th ed.). Pearson Education.
- Sprout, H., & Sprout, M. (1945). *Man-Milieu Relationship Hypotheses in the Context of Human Ecology*. Princeton University Press.
- Starky, D. (2004). *The Postmodern Military: Armed Forces After the Cold War*. Oxford University Press.
- Snyder, J. (1997). *Alliance Politics*. Cornell University Press.
- United Nations Department of Economic and Social Affairs (UN DESA). (2024). *World Population Prospects*. Retrieved from <https://population.un.org>
- van Dorsser, C., Walker, W.E., Taneja, P., & Marchau, V.A. (2018). Improving the Link Between the Futures Field and Policymaking. *Futures*, 104, 75–84. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2018.08.004>

- Weber, T., & Van Mol, C. (2023). The Student Migration Transition: An Empirical Investigation into the Nexus between Development and International Student Migration. *Comparative Migration Studies*, 11(5). <https://doi.org/10.1186/s40878-023-00329-0>
- Workman, T. (1991). The Social Origins of the Iran–Iraq War. Available at: <https://yciss.info.yorku.ca/files/2012/06/WP05-Workman.pdf>
- Wohlforth, W.C. (1999). The Stability of a Unipolar World. *International Security*, 24(1), p. 30.
- World Bank. (2024). World Development Indicators. Retrieved from <https://data.worldbank.org>
- YCISS. (2012). The Social Origins of the Iran–Iraq War. York University Center for International and Security Studies. <https://yciss.info.yorku.ca/files/2012/06/WP05-Workman.pdf>
- Zaccara, L. (2016). Iran and the Arab Spring: Between Realism and Constructivism. In F. Cavatorta & F. Merone (Eds.), *Foreign Policies of Arab Spring States* (pp. 178–195). Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1057/9781137561415_10

